

تقدیس کلیسا

پولس رسول می فرماید: "باید بفهمید که اگر کسی تحت تأثیر روح خدا باشد، نمی تواند عیسی را لعن کند و کسی هم نمی تواند عیسی را خداوند بداند، مگر بوسیله روح القدس" (اول قرن‌تینان باب ۱۲ آیه ۳).

رسالت تبشیری کلیسای مقدس منحصر به یک ملت یا یک قوم نمی باشد، بلکه روح القدس به او قدرت می دهد تا اینکه مژده انجیل نجاتبخش و نام مبارک عیسی مسیح را به همه جهانیان برساند. در کتاب کارهای رسولان که توسط لوقای انجیلی نگارش شده چنین می خوانیم: "پس از اینکه در روز پنطیکاست روح القدس بر شاگردان نازل گردید آنها با قدرت تمام مژده مرگ و رستاخیر مسیح را به ملت‌های مختلف که در آنجا جمع شده بودند اعلام کردند" (رجوع شود به کارهای رسولان باب ۲ آیه ۱-۴۷). تا به امروز کلیسا این رسالت را علیرغم جفاها و دشمنی هایی که با آن روبرو است ادامه می دهد. بنابراین کلیسایی که خود را تنها به یک ملت وابسته می داند و رسالتش فقط به آن ملت اختصاص می دهد طبق خواسته مسیح و تعالیم انجیل مقدس عمل نمی کند. در پایان انجیل متی خداوندمان عیسی مسیح به شاگردانش فرمود: "پس بروید و همه ملت‌ها را شاگرد من سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و تعلیم دهید که همه چیزهایی را که به شما گفته ام انجام دهند و بدانید که من هر روزه تا آخر زمان با شما هستم" (باب ۲۸ آیه ۱۹ و ۲۰).

تاریخ دو هزار ساله کلیسای مشرق زمین گواه بر آن است که پدران و نیاکان ما در ایمان با غیرتی کم نظیر و عشقی

دوستان گرامی ، زمان «تقدیس کلیسا» که آخرین بخش سال آیین مذهبی ما است به ما این فرصت را می دهد تا بیشتر و عمیقتر با مأموریت و رسالت نجات بخش کلیسای مقدس آشنا شویم. چنانچه به تعالیم نور بخش انجیل مراجعه کنیم می فهمیم که کلیسای مقدس بر ایمان به عیسی مسیح پسر خدای زنده متکی است ، اوست آن سنگ زاویه که بر آن کلیسا استوار می باشد و هرگز نیروهای جهنمی بر او چیره نخواهد شد. "عیسی از شاگردانش پرسید: شما مرا که می دانید؟ شمعون پطرس جواب داد: تو مسیح، پسر خدای زنده هستی. آنگاه عیسی گفت: ای شمعون پسر یونا ، خوشبحال تو، چون تو این را از انسان نیاموختی بلکه پدر آسمانی من آنرا بر تو مکشوف ساخته است. و به تو می گویم که تو پطرس هستی و من بر این صخره کلیسای خود را بنا می کنم و نیروهای مرگ هرگز بر آن چیره نخواهد شد" (انجیل متی باب ۱۶ آیه ۱۵-۱۸). همچنین بر حسب تعالیم کتاب مقدس ، کلیسا عبارت است از کسانی که روح القدس را دریافت نموده اند و جماعت ایمانداران مسیحی را تشکیل داده تا شاهدان مسیح زنده شوند. ایمان آوردن به عیسی مسیح و شهادت دادن به او یکی از مهمترین عطایای روح القدس می باشد و بدون آن هیچکس نمی تواند عیسی را به عنوان خداوند و نجات دهنده بشریت قبول نماید.

وصف ناپذیر انواع و اقسام شکنجه ها و قتلها را جهت وفادار ماندن به رسالت جهانی کلیسا تحمل کردند و از این راه دشوار توانستند ملتهای زیادی را از فیض ایمان به عیسی مسیح نجات دهنده بشریت بهرمنند سازند. شهادت این ایمانداران قدرت روح القدس را که در کلیسا عمل می کند ثابت می نماید.

دوستان عزیز: زمان "تقدیس کلیسا" که به مدت چهار هفته برگزار می شود ما را دعوت می کند تا در طرز و روش زندگی خود تجدید نظر و تفحص کنیم. از خودمان بپرسیم: آیا عضو کلیسا بودن ما از روی ایمان و باور عمیق به شخص عیسی مسیح است یا از روی یک سنت فرهنگی و ملی که کلیسا را بیشتر به عنوان یک سازمان انسانی و دنیوی می داند؟

پولس رسول خطاب به مسیحیان افسس می فرماید: "خدا عطا فرماید که مسیح از راه ایمان شما در قلبهایتان ساکن شود و دعا می کنم که شما در محبت ریشه دوانیده و بر پایه محبت بنا شوید. تا با همه مقدسین قدرت داشته باشید به پهنا و درازا و بلندی و عمق محبت مسیح پی برید و آن محبت را دریابید، اگر چه بالاتر از فهم بشر است. تا از پری کامل خدا کاملاً پر شوید" (باب ۳ آیه ۱۷-۱۹).

طبق آیات فوق و از دیدگاه پولس رسول مسیحی واقعی آن کسی است که شناخت او از مسیح شناختی عمیق و ریشه دار است که به یک زندگی مشترک منجر می شود. به یاد آوریم که عضویت ما در کلیسا با پذیرفتن راز مقدس تعمید آغاز شد، رازی که توسط آن از قدرت و فیض روح القدس برخوردار گشتیم تا روز به روز عیسی را بهتر شناخته و در زندگی با او متحد شویم.

بدون اتحاد با مسیح زندگی ما مانند یک درخت خشک و بی ثمر می باشد. "آیا نمی دانید که وقتی ما در اتحاد با مسیح عیسی تعمید یافتیم، در اتحاد با مرگ او تعمید یافتیم؟ پس با تعمید خود با او مدفون شدیم و در مرگش شریک گشتیم تا همانطور که مسیح به قدرت پر شکوه پدر پس از مرگ زنده شد، ما نیز در زندگی تازه ای بسر ببریم. زیرا اگر ما در مرگی مانند مرگ او با او یکی شدیم،

به همان طریق در رستاخیزی مانند رستاخیز او نیز با او یکی خواهیم بود" (رساله به رومیان باب ۶ آیه ۳-۵).

اتحاد با مسیح نیاز مبرم به اتحاد ما در کلیسا دارد، چون کلیسا بدن مقدس و عروس زیبای او می باشد. در ضمن بدون هدایت و راهنمایی کلیسا نمی توانیم شناختی صحیح و اثربخش را از مسیح داشته باشیم. رسالت شبانی و تبشیری کلیسا مستقیماً از رسالت مسیح که از پدر پذیرفته است نشأت گرفته و به آن تداوم می بخشد.

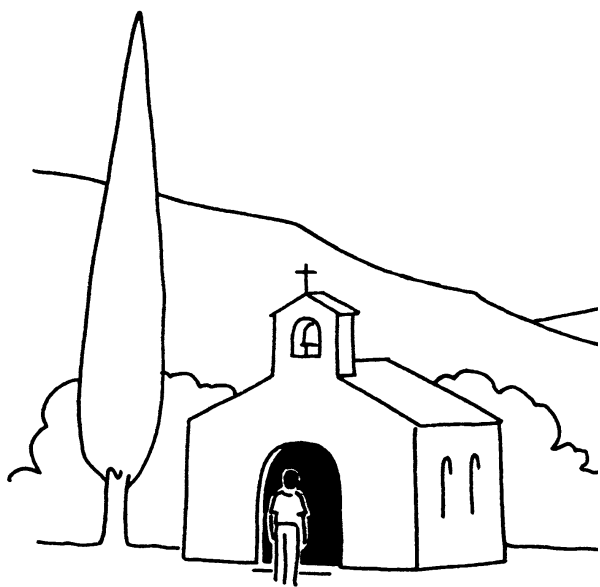
"عیسی به شاگردان گفت: سلام بر شما باد، همانطور که پدر مرا فرستاد من نیز شما را میفرستم" (انجیل یوحنا باب ۲۰ آیه ۲۱).

از روح القدس که در درون کلیسا عمل می کند تا بتواند مژده انجیل را به همه ملتها برساند، درخواست نمائیم تا ما نیز مسیحیان امروز از راه شهادت زندگیمان در اشاعه ارزشهای انجیل مقدس و هدایت مردم بسوی مسیح نور جهان و منجی عالم مسئولیت خود را نسبت به کلیسا انجام دهیم.

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران



زندگی زیباتر است وقتی...

نسخه خاصی برای تجویز خوشبختی نیست، اما راههای مختلفی هست که به ما کمک میکنند آن را راحت تر ببینیم!

اول ... همه ما احتیاج به چیزهای مشابه ای نداریم چون عین هم نمی شود خوشبخت شد! اول سعی کنیم باشیم آنکه هستیم. بعبارتی با خودمان آشتی کنیم. باید بتوانیم برای خودمان وسایل شکوفایی "من" را با کشف و پذیرش آن فراهم کنیم.

دوم ... آرزوهای ما تمامی ندارند! سعی کنیم بفهمیم کدام برای ما امکان پذیر است، و از حسرت خوردن برای "غیر ممکن" بپرهیزیم.

سوم ... وقتی دچار مشکل و یا درگیریهایی جدی شده ایم، اصلا سعی نکنیم بدون عکس العمل بمانیم؛ باید راه خلاصی را یافت.

چهارم ... هیچوقت منتظر "لحظات خاص" و یا موقعیت های مخصوص نباش! هر لحظه ای برای یک تحول، برداشتن یک قدم و یا... تبدیل به یک لحظه خاص میشود. زمان مقدس ترین است و مهم ترین، برای اینکه آن را براحتی تلف کنیم. پنجم ... هیچکس هفت روز هفته را خوشبخت نیست! آنانی که عادت دارند فردای خود را بسازند، با امید به آینده مفهوم میبخشند.

ششم ... گاهی وقتها فقط با در میان گذاشتن مسائلمان با شخص معتمدی، کلی از سنگینی بار خود کم میکنیم. مشورت به ما دید بازتری می دهد.

هفتم ... وقتی آدم محبت میکند و مورد محبت واقع می شود، احساس میکند که زنده است. محبت و عشق قویترین محرک زندگی است. از محبت کردن رژیم نگیریم!

ملاقاتی که به زندگی مزه میدهد!

برای یک ایماندار ملاقات با خدا به زندگی مفهوم میبخشد. اما این یک پروژه سراسر زندگی است و تنها برای کسی مزه دارد که طعم ایمان را چشیده باشد.

با خواندن کتابمقدس میتوان کشف کرد که خدا چقدر انسان را دوست میدارد؛ آنهم با محبتی هیچ گناهی نمی تواند در آن خدشه ای ایجاد کند. وقتی محبت و رای هر چیزی قرار میگیرد، هرگز برای برگشتن و از نو ساختن دیر نیست. پسر خدا دقیقا برای آشکار ساختن این واقعیت آمد و برای ما ایمانداران شاید لذت بخش ترین عمل جای خدا را در دلمان نگه داشتن است.

عیسی با کلام و زندگی اش راه لذت بردن از بودن با خدا را به ما نشان میدهد. هماهنگی با دیگران و محبت بی دریغ به ایشان، یکی از همین راههاست. بخصوص به آنانی که ضعیف ترین و آسیب پذیرترین هستند. برای عیسی مهم نیست آنچه ما در فکر و دل داریم، بلکه آنچه که آن را به عمل میآوریم.

این دعوت خدا از ما است: هر کس راه زیستن در محبت را بیابد. این راه خوشبختی هریک از ما است. اما باید اول یاد بگیریم خودمان را دوست داشته حتی وقتی هیچ دلیلی برای آن نداشته باشیم! آنوقت همین رفتار را میتوانیم صمیمانه نسبت به دیگران نیز داشته باشیم. برای همین عیسی میگوید: با دیگران چنان رفتار کنید که میخواهید با شما رفتار شود. از سوی دیگر هرگز فراموش نکنیم که میتوان روی محبت و بخشش خدا، روی حضور دائمی اش در کنار خودمان حساب کرد.

مردی در کنار رودخانه‌ای ایستاده بود. ناگهان صدای فریادی را می‌شنود و متوجه می‌شود که کسی در حال غرق شدن است.

فوراً به آب می‌پرد و او را نجات می‌دهد. اما پیش از آن که نفسی تازه کند فریادهای دیگری را می‌شنود و باز به آب می‌پرد و دو نفر دیگر را نجات می‌دهد. اما پیش از این که حالش جا بیاید صدای چهار نفر دیگر را که کمک می‌خواهند می‌شنود. او تمام روز را صرف نجات افرادی می‌کند که در چنگال امواج خروشان گرفتار شده‌اند غافل از این که چند قدمی بالاتر دیوانه‌ای مردم را یکی یکی به رودخانه می‌انداخت.

پادشاهی در یک شب سرد زمستان از قصر خارج شد. هنگام بازگشت سرباز پیری را دید که با لباسی اندک در سرما نگرانی می‌داد. از او پرسید: آیا سردت نیست؟ نگهبان پیر گفت: چرا ای پادشاه اما لباس گرم ندارم و مجبورم تحمل کنم. پادشاه گفت: من الان داخل قصر می‌روم و می‌گویم یکی از لباس‌های گرم مرا را برایت بیاورند. نگهبان ذوق زده شد و از پادشاه تشکر کرد. اما پادشاه به محض ورود به داخل قصر وعده‌اش را فراموش کرد. صبح روز بعد جسد سرمازده پیرمرد را در حوالی قصر پیدا کردند، در حالی که در کنارش با خطی ناخوانا نوشته بود: ای پادشاه من هر شب با همین لباس کم سرما را تحمل می‌کنم اما وعده لباس گرم تو مرا از پای درآورد.

دو گدا در یکی از خیابان‌های شهر رم کنار هم نشسته بودند. یکی از آنها صلیبی در جلو خود گذاشته بود و دیگری ستاره داوود. مردم زیادی که از آنجا رد می‌شدند به هر دو نگاه می‌کردند ولی فقط تو کلاه کسی که پشت صلیب نشسته بود پول می‌ریختند. کشیشی که از آنجا رد می‌شد مدتی ایستاد و دید که مردم فقط به گدایی که پشت صلیب نشسته پول می‌دهند و هیچ کس به گدایی پشت ستاره داوود چیزی نمی‌دهد. رفت جلو و گفت: «رفیق بیچاره من، متوجه نیستی؟ اینجا یک کشور کاتولیک هست، تازه مرکز مذهب کاتولیک هم هست. پس مردم به تو که ستاره داوود جلو خود گذاشتی پولی نمی‌دهند، به خصوص که درست نشستی کنار دست گدایی که در جلو خود صلیب گذاشته است. در واقع از روی لجبازی هم که باشد مردم به او پول می‌دهند نه به تو.» گدای پشت ستاره داوود بعد از شنیدن حرفهای کشیش رو به گدای پشت صلیب کرد و گفت: «هی "موشه" نگاه کن کی اومده به برادران "گلدشتین" بازاریابی یاد بده؟» (گلدشتین یک اسم فامیل معروف یهودی است).

دعا کردن

دوست عزیز،

شاید تو دعا کردن را از کودکی بوسیله والدینت آموخته باشی؛ شاید هم آن را از همسن های خودت یاد گرفته باشی؛ در هر حال وقتی بزرگ میشوی و مسئولیت هایی در زندگی بعهده میگیری، از خودت میپرسی که چه معنی دارد دعا کردن؟ چرا باید مرتب دعا کرد؟ این جملاتی که حفظ کرده ای، چه معنی دارند؟ چرا مردم باید آنها دائما تکرار کنند؟ تازه وقتی فکر کردی که جواب این سوالات را یافته ای، سوالات دیگری مطرح میشوند:

چطور باید دعا کرد؟ چه چیز باید خواست؟ دعا چه به ما میدهد؟ ...

اگر براستی در جستجوی خدا باشی، اگر براستی برایت مهم باشد که با او و او با تو زندگی کند، به یاری روح القدس به این جواب ها خواهی رسید و با خدای خود رو در رو ملاقات خواهی کرد.

دعا کردن یعنی چه؟

الف) دعا کردن یعنی حرف زدن با خدا

خداوند با قلب ما سخن میگوید، زیرا قلب آرزوی او را دارد. حضرت اگوستین گفت: خداوند، تو ما را برای خودت آفریدی، و قلب ما تا زمانی که در تو آرامی نگیرد، آرامشی نخواهد داشت. در وهله اول این خداوند است که میخواهد با ما ارتباط برقرار کند. خدا که "اول ما را محبت نمود" (رساله اول یوحنا ۱۹/۴)، گفتگو را آغاز میکند. در مقابل این ظهور الهی در خلال تاریخ، تو میبایست بعنوان یک مسیحی از راه ایمان عمل کنی، یعنی با سپاسگزاری و تمجید خدا و پرستش او از راه اعتراف به گناہانت.

باید از طریق دعا عمل کرد، زیرا همواره مناسب ترین جواب به خداست و میتواند ما را بسوی محبت به برادرانمان هدایت کند (تنها حکمی که خدا داد)؛ زیرا خدا محبت است. اگر قادر شوی از راه دعا با خدا ارتباط برقرار کنی، "من" تو در مقام دوم قرار میگیرد و خواهی دید که بدنبال آن حضور خدا در زندگی ات برایت ملموس تر خواهد شد. خدا محبت خویش را از طریق دعای تو، به تو منتقل خواهد کرد و تو کانالی برای او برای دیگران خواهی شد.

ب) دعا گوش دادن است

آنچه که مسلم است خدا با ما صحبت میکند، و کتابمقدس در سراسر تاریخ بر آن شهادت داده است. تنها به همین دلیل میتوانیم با خدا ارتباط برقرار کنیم. خدا قاطعانه تصمیم گرفت تا از طریق محبت بی حد و حصرش با انسان رابطه ایجاد نماید و با هم به یک شدن برسند. اگر به کلام خدا رجوع کنیم می بینیم که خدا قوم اسرائیل را برای شنیدن و اطاعت کردن برمی گزیند. زیرا ایمان از راه شنیدن کسب می شود. و به همین دلیل است که در هر دعای قوم یهود، دعای "بشنو ای اسرائیل" (تثنیه ۴/۶-۹)، خوانده میشود.

شاید عمل "شنیدن" بنظر ساده آید اما نه در مورد هنر دعا کردن. در این رابطه باید سکوت کردن به قصد فهمیدن را آموخت. خدا در ایام گذشته از طریق پدران و انبیاء صحبت کرد، اما بعد از طریق عیسی مسیح با ما سخن گفت. بنابراین اگر میخواهیم براستی در حضور خدا زندگی کنیم، باید عیسی را بشنویم. هرگز توقع آن را نداشته باش که فقط خدا به خواسته های تو گوش دهد؛ متأسفانه ما با خواستن دائم و گله و ناله هایمان او را واقعا بی کلام میگذاریم! دعا قبل از هر چیز شنیدن است: آیا قادر به شنیدن هستیم؟ این سوال را همیشه از خودت بپرس چه در مقابل دیگران و چه در مقابل خدا. اگر سعی کنی شنیدن را یاد بگیری، کم کم یاد میگیری خدا را بشناسی و دوستش داشته باشی.

ادامه این مطلب را در پیام بعدی بخوانید

معنای عشق واقعی

یک روز آموزگار از دانش آموزانی که در کلاس بودند پرسید آیا می توانید راهی غیر تکراری برای ابراز عشق، بیان کنید؟ برخی از دانش آموزان گفتند با بخشیدن، عشقشان را معنا می کنند. برخی «دادن گل و هدیه» و «حرف های دلنشین» را راه بیان عشق عنوان کردند. شماری دیگر هم گفتند «با هم بودن در تحمل رنجها و لذت بردن از خوشبختی» را راه بیان عشق می دانند. در آن بین، پسری برخاست و پیش از این که شیوه دلخواه خود را برای ابراز عشق بیان کند، داستان کوتاهی تعریف کرد: یک روز زن و شوهر جوانی که هر دو زیست شناس بودند طبق معمول برای تحقیق به جنگل رفتند. آنان وقتی به بالای تپه رسیدند در جا میخکوب شدند.

یک ببر بزرگ، جلوی زن و شوهر ایستاده و به آنان خیره شده بود. شوهر، تفنگ شکاری به همراه نداشت و دیگر راهی برای فرار نبود.. رنگ صورت زن و شوهر پریده بود و در مقابل ببر، جرات کوچک ترین حرکتی نداشتند. ببر، آرام به طرف آنان حرکت کرد. همان لحظه، مرد زیست شناس فریاد زنان فرار کرد و همسرش را تنها گذاشت. بلافاصله ببر به سمت شوهر دوید و چند دقیقه بعد ضجه های مرد جوان به گوش زن رسید. ببر رفت و زن زنده ماند. داستان به اینجا که رسید دانش آموزان شروع کردند به محکوم کردن آن مرد. راوی اما پرسید: آیا می دانید آن مرد در لحظه های آخر زندگی اش چه فریاد می زد؟

بچه ها حدس زدند حتما از همسرش معذرت خواسته که او را تنها گذاشته است! راوی جواب داد: نه، آخرین حرف مرد این بود که «عزیزم، تو بهترین مونسیم بودی. از پسرمان خوب مواظبت کن و به او بگو پدرت همیشه عاشقت بود.

قطره های بلورین اشک، صورت راوی را خیس کرده بود که ادامه داد: همه زیست شناسان می دانند ببر فقط به کسی حمله می کند که حرکتی انجام می دهد و یا فرار می کند. پدر من در آن لحظه وحشتناک، با فدا کردن جانش پیش مرگ مادرم شد و او را نجات داد. این صادقانه ترین و بی ریاترین ترین راه پدرم برای بیان عشق خود به مادرم و من بود.

آیا شما می‌دانید عیسی کجاست؟!

معنی اصطلاح و لغت

پسر انسان: عیسی از این اصطلاح "پسر انسان" بارها استفاده کرد تا درباره خودش صحبت کند. در کتاب عهد قدیم، از این اصطلاح برای مشخص کردن آنکس که خدا فرستاده است، استفاده شده.

گوسفندان در سمت راست: عیسی از این اصطلاح و لقبها استفاده می‌کند تا به ما بفهماند که قلب ما همیشه با او نیست. ما گاهی بدی می‌کنیم و گاهی خوبی.

ملکوت خدا: ملکوت خدا یک آدرس یا یک مکان مشخصی نیست. ملکوت خدا یعنی با خدا زندگی کردن برای ابد. عیسی به ما گفته است که اگر یکدیگر را دوست بداریم و آنچه که می‌توانیم حتماً برای هم‌نوع خود انجام بدهیم، یک روز برای ابد با او خواهیم زیست.

برای من کرده‌اید: ما نمی‌توانیم عیسی را ببینیم اما او به ما گفت: اگر برای کسی خوبی بکنید، برای من کرده‌اید.

دور از خدا: ما می‌توانیم به عیسی گوش ندهیم و به دیگران هم خوبی نکنیم خدا ما را آزاد آفریده است. اگر نخواهیم قلبمان را به روی خدا باز کنیم، باید بدانیم که برای ابد دور از او خواهیم ماند. جهنم یعنی دور از خدا زندگی کرد.

عیسی به ما گفته است که روزی خواهد آمد. در آن روز همه چیز را روشن خواهیم دید. اما اکنون که در انتظار آن روز هستیم، باید بدانیم که عیسی از ما دور نیست.

عیسی از ما خواسته است قلبمان را بسوی دیگران بگشائیم. او چنین گفته است:

وقتی پسر انسان بیاید، در آن روز شکوه خداوند دیده خواهد شد. زیرا او به صورت یک پادشاه خواهد آمد و همه مردمان را دور خود جمع خواهد کرد. مثل یک شبانی که همه گله خود را جمع کند. آنوقت هر کدام از ما را نزد خود خواهد خواند و اعمال درست و نادرست ما نمایان خواهند شد. این پادشاه و شبان گوسفندان را از بزها جدا خواهد کرد. به گوسفندانش در سمت راستش خواهد گفت: شما ای محبوبان پدر بیائید و داخل ملکوت آسمان بشوید، که از آغاز برای شما مهیا شده است. زیرا من گرسنه بودم به من نان دادید، تشنه بودم به من آب دادید، مرا از سرما و گرما پوشانید؛ وقتی بیمار بودم به عیادت‌م آمدید، وقتی زندان بودم به دیدارم شتافتید.

آنگاه گوسفندانش خواهند گفت: خداوند، کی ترا گرسنه و تشنه یا عریان و بیمار و زندانی دیدیم؟ و او به ایشان خواهد گفت: هر کاری برای هر نیازمندی کرده‌اید، برای من کرده‌اید.

بعد پادشاه و شبان رو به بزها در سمت چپش خواهد کرد و خواهد گفت: از من دور شوید و به تاریکی‌ها بروید، چون وقتی مرا گرسنه و تشنه و بی‌پناه و بیمار دیدید، رحم نداشتید. ایشان خواهند گفت: کی ترا چنین دیدیم و توجه نکردیم؟ و او جواب خواهد داد: هر چه برای یکی از این نیازمندان نکردید برای من نکردید.

اخبار و تقویم کلیسایی

- یکشنبه ۱۱ آبان ۹۳ = ۲ نوامبر ۲۰۱۴، یکشنبه اول تقدیس کلیسا
رساله: اول قرنتیان فصل ۱۲ آیه ۲۸ الی فصل ۱۳ آیه ۱۳
انجیل: متی فصل ۱۶ آیه ۱۳ الی ۱۹

- یکشنبه ۱۸ آبان ۹۳ = ۹ نوامبر ۲۰۱۴، یکشنبه دوم تقدیس کلیسا
رساله: عبرانیان فصل ۸ آیه ۱ الی فصل ۹ آیه ۱۰
انجیل: متی فصل ۱۲ آیه ۱ الی ۲۱

- یکشنبه ۲۵ آبان ۹۳ = ۱۶ نوامبر ۲۰۱۴، یکشنبه سوم تقدیس کلیسا
رساله: عبرانیان فصل ۹ آیه ۵ الی ۱۵
انجیل: یوحنا فصل ۲ آیه ۱۲ الی ۲۲

- یکشنبه ۲ آذر ۹۳ = ۲۳ نوامبر ۲۰۱۴، یکشنبه چهارم تقدیس کلیسا
رساله: عبرانیان فصل ۹ آیه ۱۶ الی ۲۸
انجیل: متی فصل ۲۲ آیه ۴۱ الی فصل ۲۳ آیه ۲۲

- یکشنبه ۹ آذر ۹۳ = ۳۰ نوامبر ۲۰۱۴، یکشنبه اول سوبارا (مژده میلاد مسیح)
رساله: افسسیان فصل ۵ آیه ۲۱ الی فصل ۶ آیه ۹
انجیل: لوقا فصل ۱ آیه ۱ الی ۲۵

خداوند ، به تمامی انسان ها خوشامد می گوید:

بنگر، مرا بپذیر!

به من عشق بورز!

غمگین مباش و از هیچ چیز نهراس!